گزارش

گزارشی کوتاه از یک کار قشنگ در اهواز که ۴۰کودک مبتلا به سرطان را به زندگی امیدوارتر می‌کند

درخت را با قلب می‌کارند نه با دست!

مجتبی طحان | گیله‌مرد گفت: خدا قبول کند. به دستانش نگاه کرد، درختی کاشته بود! شنیده‌ای که می‌گویند درخت را با قلب می‌کارند نه با دست؛ وه که چه زیبا گفته‌اند! درخت طلای سبز زمین است که همه انسان‌ها برای ادامه حیات به وجود آن نیازمندند. می‌گویند اگر به‌دنبال لحظاتی دل‌انگیز هستی، به سبزی و زیبایی درختان بنگر و اگر طالب روحی آرام و سیال هستی، درخت بکار و بدان که کام دل به بار آرد. راستی درخت نماد امید به زندگی نیز هست با رحمت و رأفتی سرشار که تمام وجودش را به دیگران هدیه می‌دهد. درخت که می‌کاری، نیت سلامتی کن نه برای خود که برای تمام موجودات، خوبی که کنی، به خودت برمی‌گردد. اما بهانه نگارش این گزارش برمی‌گردد به کار قشنگی که در اهواز انجام شد! ۴۰نهال کاشته شد با دستان کوچک ۴۰کودک سرطانی و به نام خودشان، ۴۰نهال به امید سلامتی بچه‌ها، ۴۰ نهال برای این‌که به بچه‌ها امید مبارزه با این بیماری جانفرسا را بدهد. اگر صاحب فرزند باشی، درک می‌کنی که حتی یک بیماری ساده را هم نمی‌توانی برایش تحمل کنی؛ فرزند که داشته باشی، با بچه‌های بیمار این مرزوبوم همدردی می‌کنی. داوطلبان هلال‌احمر اهواز این برنامه را ترتیب دادند تا به بچه‌های سرطانی بگویند: بچه‌های مهربان و بیمار، مثل درخت باشید، با ریشه‌های محکم همواره رشد و نمو کنید، میوه بدهید و به روزگار بپایید.

فصل بهار در خوزستان شروع شده است

اگرچه در بسیاری از نقاط کشور در فصل زمستان هوای سرد با برف و کولاک جاری می‌شود، اما در خوزستان و مناطق جنوبی ایران، فصل گلگشت و وقت‌گذرانی در دامان سبز طبیعت است، چراکه بعد از ۹ماه از عبور هوای گرم و سوزان، بالاخره نوبت به فصل بهار می‌رسد. در این روزهای بهاری هم کاشت طلای سبز در جای‌جای خوزستان آغاز می‌شود و تا پایان فروردین ادامه خواهد یافت. جوانان هلال‌احمر خوزستان نیز به بهانه حمایت از محیط‌زیست برنامه‌های متنوعی را اجرا می‌کنند. برنامه‌هایی متعدد و خلاقانه که نشان از تبلور روح بشردوستی در این جمعیت مهرورز داشته و دارد. باید گفت هلال‌احمری‌ها برای رفاه اجتماعی و تسکین آلام بشری در هر حیطه‌ای وارد شوند، دردی از دردهای جامعه را می‌کاهند و در یک کلام، فعالیت‌هایشان رنگ و لعاب خدایی دارد و چون که از عمق جان برمی‌آید، لاجرم بر دل می‌نشیند.

۴۰نهال به امید سلامتی ۴۰کودک سرطانی در اهواز

رئیس جمعیت هلال‌احمر اهواز می‌گوید: برای نخستین‌بار با همکاری جوانان این جمعیت، شهرداری منطقه ۲ اهواز و بیمارستان شفای شهرستان، ۴۰نهال توسط ۴۰کودک مبتلا به سرطان کاشته شد. سید فتح‌اله هاشم‌نژاد با بیان این‌که نهال‌هایی که کاشته شده همگی از گونه‌های ثمرده و درختان میوه است، عنوان می‌کند: کنار هر نهال پلاکی به نام کودکی که نهال را کاشته، نام‌گذاری شده است.

او با اشاره به کاشت این نهال‌ها در کنار ساختمان کتابخانه مرکزی اهواز به‌عنوان یک کار فرهنگی می‌افزاید: این کار با هدف کاشته‌شدن بذر امید در قلب هر کودک مبتلا به سرطان است که برای مبارزه با بیماری خود، امید خود را از دست ندهد و برای داشتن فردایی بهتر مبارزه کند.

هوای سالم، عمر بیشتر

مشارکت در اجرای طرح جنگلانه نیز ازجمله کارهای خوب و دلپسند جوانان هلال‌احمر بهبهان بوده است. سرپرست جمعیت هلال‌احمر شهرستان بهبهان با اشاره به حفظ محیط‌زیست به‌عنوان یک وظیفه انسانی و شهروندی می‌گوید: با توجه به این‌که زندگی بشر به سمت ماشینی‌شدن می‌رود و عدم‌رعایت اصول محیط‌زیست برای طبیعت بسیار مضر است، جوانان هلال‌احمر شهرستان با هدف توسعه جنگل‌ها و مراتع و عینیت‌بخشی به شعار «هوای سالم، عمر بیشتر» این طرح را همپای مردم دیگر شهرستان آغاز کردند. مهران مرادی‌بهبهانی با بیان این‌که در این طرح هر یک از اعضا به نیت داشتن فردایی بهتر با هوایی پاک، یک نهال را کاشتند، تصریح می‌کند: طرح جنگلانه در شهر تشان از توابع شهرستان بهبهان با کاشت نهال اجرا شده است. او با تجلیل از اقدام خداپسندانه اعضای جوان جمعیت هلال‌احمر بهبهان از همشهریان محترم خواست ضمن رعایت اصول محیط‌زیستی در تفریح‌های پایان هفته، با کاشت نهال برای فرزندان خود به فردایی آبادتر برای این مرزوبوم بیندیشند.

آغاز زندگی مشترک زوج جوان هلال‌احمر ایذه با کاشت نهال در طرح جنگلانه

سرپرست جمعیت هلال‌احمر ایذه نیز اظهار می‌کند: طرح جنگلانه با حضور کارکنان، جوانان، امدادگران و نجاتگران، داوطلبان و اعضای شورای اجرایی هلال‌احمر ایذه و جمع زیادی از دوستداران طبیعت در منطقه اتابکی هلایجان این شهرستان برگزار شد.

غلامرضا امین می‌افزاید: در این طرح تعداد زیادی نهال بلوط توسط شرکت‌کنندگان در این منطقه گردشگری کاشته شد. او با اشاره به ضرورت اجرای طرح جنگلانه به‌ویژه در جنگل‌های رو به نابودی بلوط گفت: با توجه به زوال و نابودی بسیاری از جنگل‌های حوزه زاگرس، بروز بیماری خشکی بلوط و برداشت بی‌رویه از مناطق زاگرس‌نشین برای استفاده روزمره، این طرح با هدف احیای این منابع خدادادی اجرا شده است. او می‌گوید: در حاشیه طرح جنگلانه که در منطقه حفاظت‌شده تنگ اتابکی هلایجان برگزار شد، یک زوج جوان هلال‌احمری زندگی مشترک خود را با کاشت نهال آغاز کردند.

حضور فعالانه جوانان هلال‌احمر دشت آزادگان در جنگل میشداغ

رئیس جمعیت هلال‌احمر دشت آزادگان نیز با اشاره به حضور پرشور جوانان این جمعیت در مراسم جنگلانه می‌گوید: این مراسم با حضور فرماندار و رؤسای ادارات شهرستان در جنگل ام‌الدبس در منطقه میشداغ برگزار شد. یاسر ساعدی با اشاره به ضرورت درختکاری در استان خوزستان به‌عنوان یکی از استان‌های گرم و خشک کشور اظهار می‌کند: یکی از مهم‌ترین کارهای ما باید در راستای حفظ محیط‌زیست باشد، زیرا یک جوان هلال‌احمری به‌عنوان یک فعال اجتماعی در همه عرصه‌ها باید توان خود را به نمایش بگذارد.

او با تأکید بر ضرورت انجام این عمل خداپسندانه تصریح می‌کند: با توجه به وجود پدیده ریزگردها در سال‌های اخیر، درختکاری می‌تواند به تثبیت شن‌های روان کمک شایانی کند.

نهال‌هایی کوچک با خاطراتی بزرگ

رئیس جمعیت هلال‌احمرشهرستان باغملک نیز از کاشت نهال توسط اعضای جوانان این جمعیت به مناسبت هفته درختکاری خبر می‌دهد. محسن شیخی‌علیزاده، با اشاره به فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر این‌که برای سرسبز نگه‌داشتن کشور باید نهضتی فراگیر برپا شود، اظهار می‌کند: جنگل‌ها یکی از ثروت‌های مهم، اساسی و ملی هر کشور به‌شمار می‌آیند.

او با بیان این‌که درختان با توجه به عمل تولید اکسیژن نقشی مهم و حیاتی در زندگی انسان‌ها ایفا می‌کنند، می‌گوید: جذب و کاهش گاز کربنیک و سایر گازهای سمی و نیز کاهش بروز پدیده گردوغبار، حفاظت آب و خاک، پیشگیری از وقوع سیل و تنظیم درجه حرارت محیط فقط بخش کوچکی از عملکرد جنگل‌ها را نشان می‌دهد. رئیس جمعیت هلال‌احمرشهرستان باغملک با اشاره به نقش شهدای والامقام در پیشبرد اهداف نظام اسلامی بیان می‌کند: اعضای جوان در این مراسم نهال‌های خود را به یاد شهدای مدافع حرم کاشتند.

چرا حرکت اجتماعی بر حرکت سیاسی ارجحیت دارد؟

انسان شهر

بررسی موضوع شهروندی بدون همگرایی رویکردهای بوم‌شناختی، معماری و جمعیتی بی‌معنی است

سیدعباس میراحمدی| نقد نظریه‌های مختلف در رهیافت حرکت پرشتاب شهر و شهرنشینی از یک سو و ملاحظات شهروندی از سویی دیگر ما را بر آن می‌دارد که جدای از رویکردهای بوم‌شناختی، معماری و حتی جمعیتی به این نکته توجه داشته باشیم که بررسی موضوع شهروندی بدون همگرایی این موارد با رویکردهای فرهنگی و اجتمایی کارساز نخواهد بود.

گروهی از اندیشمندان مکتب شیکاگو نظریات مدونی نسبت به شهر ارایه کرده‌اند و در بین اندیشمندان اسلامی می‌توان از ابن‌خلدون نیز که مباحث ارزشمندی در رابطه با شهر در کتاب المقدمه دارد نام برد که به گفته جرج ریتزر در کتاب نظریه جامعه‌شناسی خود اشاره به تاثیرگذاری این اندیشمند درخصوص شهرنشینی دارد.

اما ضرورت بحث پیرامون انسانشهر نه‌تنها در نظریات اندیشمندان اجتماعی موردنظر است، بلکه انسان‌شهر یک موضوع چند بخشی است، هرچند در این تحقیق از نظریات جامعه‌شناختی بهره برده‌ایم.

بعد از انقلاب صنعتی و قرن نوزدهم به بعد با گسترش دستاوردهای فناورانه بشر از یک سو و از سویی دیگر سیر مهاجرت از روستا به شهر شاهد دگرگونی در الگوهای زندگی بشری هستیم، به‌گونه‌ای که اگر در روستا روابط براساس عاطفه جمعی و محلی و با شعور جمعی صورت می‌پذیرد و افراد دارای علایق مشترک و نزدیک هستند، حتی دلبستگی‌های آنان به کار جدای از نیازهای اولیه حکایت از یک همبستگی و ارتباط متقابل که محصول کنش متقابل است، دارد. به‌عنوان مثال در برداشت محصول کشاورزی عمدتا یک کار جمعی صورت می‌پذیرد.

آمارهای منتشره حاکی از این است که ۷۰درصدجمعیت ایران در شهرها ساکن هستند اما آیا این بدان معناست که به همین میزان از توسعه شهرنشینی توأم با نظام‌های دموکراتیک را که در آن افراد به حقوق یکدیگر احترام می‌گذارند و نظم عمومی و آسایش افراد در آن محترم شمرده می‌شود، شاهد هستیم؟

بنابراین تغییر الگوهای زندگی و شهرنشینی درحالی‌که مدنیت شهری در آن نمود چندانی ندارد، آسیب‌های زیادی به ساکنان شهر وارد خواهد کرد.

۱- انزوای افراد در شهر به دلیل نداشتن یا کمبود روابط شخصی، ۲- وجود روابط غیرشخصی ۳- وجود فاصله اجتماعی، ۴- وجود گروه‌های ثانویه، ۵- تراکم و عدم تجانس جمعیت شهری ۶- نبود همبستگی یا کمبود آن در دوره‌های بحران، ۷- جداسازی و تفاوت‌یابی افراد ۸- بالابودن درجه پذیرش تفاوت بدون ایجاد تنش، ۹- افزایش یافتن نهادهای تعلق اجتماعی و حاشیه‌شدن خانواده، ۱۰- تفاوت‌یابی شدید شیوه‌های زندگی بنابر همسایگی‌بودن ۱۱- تفاوت‌یابی شدید رفتارها و ذهنیت‌ها ۱۲- افزایش شدید مبادلات اجتماعی ۱۳- چندگانگی و شاخه‌ای‌شدن نقش‌های اجتماعی، ۱۴- جایگزینی سازوکارهای بازنمود در جای روابط سنتی اتحاد و تجمع بر پایه عقل سلیم و ۱۵- رشد فردگرایی.

اما در شهرها نه‌تنها رویکردهای بوم‌شناختی تمایزات فراوان دارد، بلکه روابط اجتمایی نیز وارونه است. حال بد نیست یک مطلب حاشیه را نیز یادآوری کنم که همه این موارد درست و در جای خود قابل‌بررسی است اما در کشورهای جهان سوم و کشورهای درحال‌توسعه که عمدتا الگوهای شهری ملغمه‌ای است، از زندگی سنتی و شهری و ترکیب ناموزونی که در روابط بین آنها نیز حکمفرماست، چیزی شبیه گرفتارشدن میان ترافیک در یک بزرگراه است.

به عقیده ورث نسبت کل جمعیتی که در شهرها زندگی می‌کند، میزان شهری‌بودن دنیای معاصر را به‌طور دقیق و کامل نمی‌سنجد.

تاثیراتی که شهرها بر زندگی اجتماعی انسان می‌گذارند زیادتر از آن است که نسبت جمعیت شهری نشان می‌دهد، زیرا شهر نه‌تنها به‌طور فزاینده‌ای سکونتگاه و کارگاه انسان امروزی است، بلکه مرکز نوآوری و نظارت بر زندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که دورترین اجتماعات جهان را به مدار خود کشیده و نواحی گوناگون ملت‌ها و فعالیت‌های مختلف را به صورت یک جهان هستی درهم بافته است.

> **تاثیراتی که شهرها بر زندگی اجتماعی انسان می‌گذارند زیادتر از آن است که نسبت جمعیت شهری نشان می‌دهد، زیرا شهر نه‌تنها به‌طور فزاینده‌ای سکونتگاه و کارگاه انسان امروزی است بلکه مرکز نوآوری و نظارت بر زندگی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی است که دورترین اجتماعات جهان را به مدار خود کشیده و نواحی گوناگون ملت‌ها و فعالیت‌های مختلف را به صورت یک جهان هستی درهم بافته است**

بنا بر نظریه ورث افراد روابط عمدتا کاری با هم دارند که به عنوان مرتفع‌کننده نیازهای یکدیگر معنا پیدا می‌کنند و بدین گونه دورترین اجتماعات با توجه به نیازهای افراد به یکدیگر متصل می‌شوند.

بررسی‌های ورث در جامعه آمریکا در سال‌هایی که او در دانشگاه شیکاگو بود شاید در آن روزها کمی مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسید اما گسترش شهرنشینی بالطبع باعث ضعیف‌شدن پیوندها در جامعه ارگانیک و به‌وجود آمدن حس رقابت و تسلط شد که به قول گیدنز ضرورت نظارت رسمی را موجب شد.

نیکلاس اسپاکمن، از دیگر محققانی است که دارای رویکرد جبرگرایانه در مورد زندگی شهری بوده، او معتقد است که در الگوی رفتار اجتماعی در شهر، به لحاظ ساختاری (اجتماعی)، تعداد زیاد گروه‌های ثانویه، اتحادیه‌ها و تماس‌های زودگذر بر تعداد کم گروه‌های اولیه، اجتماعات و روابط دایمی غلبه دارد. در همین الگو به لحاظ رفتاری (فردی)، آزادی، فردیت، عقل‌گرایی، رسمیت، عمومیت و خودنمایی بر محدودیت، همنوایی با جمع، احساسات، صمیمیت و تواضع غلبه دارد.

زندگی شهری از خودبیگانه در بینش زیمل

زیمل معتقد است در جوامع امروزی با افزایش و پیچیدگی تقسیم کار بین حلقه‌های اجتمایی که فرد در آن قرار دارد و گسترش مراودات پولی، بین فرهنگ عینی (تمام ساخته‌های مادی و غیرمادی) و فرهنگ ذهنی (اندیشه و تفکرات) او فاصله ایجاد می‌شود.

از نظر زیمل فرهنگ عینی در دوران مدرن به سمت استقلال و جدایی هرچه بیشتر از فرهنگ ذهنی سوق می‌یابد که از آن به عنوان تراژدی دوران مدرن نام می‌برد. زیمل تأثیر اقتصاد پولی و تکیه بر روابط مالی گسترده را بر مدرنیته زیانبار تلقی می‌کند که سرانجام موجب ازخودبیگانگی می‌شود.

به‌نظر وی در جامعه مدرن استفاده از پول موجب تغییر جامعه می‌شود. ارزش پول مبتنی بر این باور عقلانیت است که می‌توان از ارز برای خرید کالا استفاده کرد. پول در قلمرو اقتصاد هم باعث ایجاد فاصله از اشیا می‌شود و هم ابزاری است برای رفع این فاصله. همین که پول کافی به دست آوردیم می‌توانیم فاصله خود را با اشیا از میان برداریم. ارزش هر شیء بستگی به میزان مطلوبیت و دسترس پذیری آنان دارد. پول در فرآیند خلق ارزش، پایه‌های گسترش بازار، اقتصاد مدرن و سرانجام جامعه سرمایه‌داری را فراهم می‌آورد. زیمل همچون مارکس به نظام سرمایه‌داری و مشکلات اقتصاد مبتنی بر پول می‌اندیشید. اما زیمل مشکلات اقتصادی روزگار خود را تجلی خاص و از مسائل فرهنگی عام‌تر قلمداد می‌کند... زیمل ساختار اقتصادی را بخشی از ماهیت عینی بزرگتر جامعه می‌دانست که ماهیت ذهنی انسان را بیگانه می‌سازد. از نظر او، ماهیت عینی جامعه که اقتصاد را دربرمی‌گیرد، ذاتی زندگی بشر است و تغییرناپذیر.»

در کلان‌شهرها ما با تاثیرات حسی و دگرگون‌کننده روبه‌رو هستیم، در این شهرها با ترافیک سنگین، فعالیت‌های گوناگون و بی‌شمار، تابلوهای متنوع فروشگاه‌ها، آگهی‌ها و تبلیغات گوناگون و متنوع و... روبه‌رو هستیم که این اشکال و فرم‌های زندگی کلان‌شهری باعث جلب توجه ما می‌شود. برای زندگی در این شهر تنها عقلانیت و کاربرد نیروهای عقلانی چون (محاسبه‌پذیری، وقت و نظم) بسیار امکان‌پذیر است، در غیر این صورت زندگی در این کلانشهرها میسر نیست. در مقابل در شهرهای کوچک یا حومه، زندگی نسبتا کند و آهسته است، پیوندهای عمیق عاطفی با دیگران در سطوح ناخودآگاه امکان‌پذیر است، به‌نظر زیمل عقل‌گرایی نخستین وجه ممیزه فرد کلان‌شهری از یک روستایی است، در مقاله کلان‌شهر و حیات ذهنی زیمل در توصیف این نیروی منعطف چنین می‌نویسد: «عقل در لایه‌های بالاتر و شفاف‌تر روان جای دارد و منعطف‌ترین نیروی درونی ما است. عقل برای سازگاری با تغییر و تضاد پدیده‌ها نیازمند شوک و انقلابات درونی نیست. ذهنی که محافظه‌کارتر است فقط از طریق چنین انقلاباتی است که می‌تواند با آهنگ کلان‌شهری وقایع سازگار شود. بنابراین نوع انسان کلان‌شهری که البته هزار نوع دارد، اندامی را پرورش می‌دهد که از او در مقابل وقایع تهدیدکننده تناقضات محیط بیرونی که می‌تواند وی را ریشه‌کن سازد، محافظت کند. او با مغز خود واکنش نشان می‌دهد، نه با قلب خود.

> **سیاست زمانی که می‌خواهد اجرا شود تغییر محتوا نمی‌دهد تنها نیروی اجتماعی می‌تواند چنین تجربه سیاسی و دیرینه‌ای را تحقق بخشد و تنها نیروی اجتماعی می‌تواند مسئولیت تحقق برنامه‌ای را که به جامعه شهری متعهد باشد به عهده بگیرد**
>
> **به‌زعم منشأ اجتماعی متفاوت، شکل‌گیری شهرها در جهان جدید عملا شکل جدیدی از فضای اجتماعی است که قدرت سیاسی آن را شکل داده است: آمریت خشونت در خدمت اهداف اقتصادی**

شهرنشینی در بینش لوفبور

اما لوفبور شهرنشینی را دارای شکلی ذهنی و اجتماعی می‌داند که هم در آن زمان و هم مکان جایگاه ویژه‌ای دارد، در سایه زمان و مکان است که فرهنگ شکل می‌گیرد.

در اصل لوفبور بین فضای فیزیکی و اجتماعی شهر تفاوت قایل است و معتقد است اگر فضای فیزیکی را معماران و مهندسان طراحی می‌کنند اما فضای اجتماعی را خود مردم که متشکل از هنرمندان، فلاسفه و سیاستمداران هستند، شکل می‌دهند. اتوپیای لوفبور شهری است که در آن فرصت تقویت می‌شود و رشد فرهنگ جامعه بشری امکان‌پذیر است. او به همین دلیل تکنوکراسی را مورد حمله قرار می‌دهد که با ایجاد صنعت و تکنولوژی بیش از هرچیز به فرهنگ آسیب زده است.

در کتاب حق شهر (Le droit à la ville) لوفبور به وضوح مشخص می‌کند که در یک جامعه مدنی انسان در قبال شهر خود حقی دارد و شهر نیز جایی است که حقوق افراد در آن رعایت می‌شود.

در تحقق حق شهر خلاقیت، پویایی و بکارگیری استعدادهای فرد در محیط پیرامونش به کار گرفته می‌شود و صرفا اجراکننده دستورات نیست. بنابراین انسان ساکن در این شهر دچار روزمره‌گی نمی‌شود و می‌تواند نقش‌های متفاوت را تجربه کند. او در چرخه تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در شهر نقش دارد، بنابراین خود را موثر پنداشته و دچار ازخودبیگانگی نمی‌شود. فلوبر شهر را جایی ترسیم می‌کند که در آن ارزش مصرف و مبادله در یک رابطه تولید به یکدیگر وصل می‌شوند.

ارزش مصرف به روابط فیزیکی و انسان اشاره دارد و ارزش مبادله قیمت کالای تولید شده است که سرمایه‌داری با شیوه‌های متنوع خود در جست‌وجوی بالابردن ارزش کالای تولید شده است، بنابراین در این رابطه فضاهایی که رخ می‌دهد براساس معیارهای سرمایه‌داری و عمدتا کالایی است ولی این با معیارهای یک شهر کامل دارای فضاهای تاریخی، هنری، ادبی و فراتر از یک جامعه صرفا مصرف‌کننده است. شهری که خلاقیت افراد در آن مغفول نمی‌ماند.

به‌طور خلاصه می‌توان اینچنین استنباط کرد که الزامات اقتصاد سرمایه‌داری به ایجاد یک‌سری (فضاهای انتزاعی) می‌انجامد که دولت‌ها و مدیریت‌های سیاسی در تولید و گسترش آن نقش دارند هرچند این فضاها چهره آراسته و صلح‌آمیز دارند اما ذاتا خشن هستند.

به‌زعم منشأ اجتماعی متفاوت، شکل‌گیری شهرها در جهان جدید عملا شکل جدیدی از فضای اجتماعی است که قدرت سیاسی آن را شکل داده است: آمریت خشونت در خدمت اهداف اقتصادی.

لوفبور در مقاله ۱۹۶۸ می‌گوید: حق به شهر را نمی‌توان حقی ساده و قابل مشاهده دانست یا آن را بازگشتی به شهرهای سنتی تلقی کرد (حق شهر) تنها با دگرگونی و بازسازی حق زندگی شهری قابل تعریف است. برهمین اساس او معتقد است: حرکت اجتماعی بر حرکت سیاسی ارجحیت دارد.

سیاست گرچه لازم است ولی کافی نیست. سیاست زمانی که می‌خواهد اجرا شود، تغییر محتوا نمی‌دهد، تنها نیروی اجتماعی می‌تواند چنین تجربه سیاسی و دیرینه‌ای را تحقق بخشد و تنها نیروی اجتماعی می‌تواند مسئولیت تحقق برنامه‌ای را که به جامعه شهری متعهد باشد، به عهده بگیرد.

بنابراین انسان‌شهر یک شهر فرصت‌ساز برای شهروندان است که در کنار مسائل زیستی و رعایت قواعد مهندسی معماری در آن تحولات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را نه شبکه‌ای از بنگاه‌های سرمایه‌داری بلکه خود مردم هدایت می‌کنند و در پویایی و خلاقیت آن سهیم هستند.

برخورداری شهر از مواهب توسعه اجتماعی تمام سطوح افراد شهرنشین را دربرمی‌گیرد، عدالت در تمام ابعاد زندگی، بهداشت و درمان، امنیت کامل و بکارگیری استعدادهای افراد تمام ساکنان را دربرمی‌گیرد.

منابع:
گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نیچاپ بیست‌وهفتم۱۳۹۱
صدیق سروستانی، رحمت‌الله، انسان و شهرنشینی، نامه علوم‌اجتماعی، دانشکده علوم‌اجتماعی دانشگاه تهران شماره یک جلد دوم ۱۳۶۹
فکوهی، ناصر،۱۳۸۴، انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی